

گزارش میراث

فصلنامه اطلاع‌رسانی در حوزه نقد و تصحیح متون، نسخه‌شناسی و ایران‌شناسی

دوره سوم، سال پنجم، شماره یکم و دوم، بهار - تابستان ۱۳۹۹ [انتشار: بهار ۱۴۰۱]

سرخس: زبان، ادبیات و خودآگاهی ملی / محمود ایبسلار ● پژوهش درجه اصالت برخی بیت‌ها در پیرایش شاهنامه / جلال خاقلی مطلق ● مهرهای نسخه خطی المشیخه / عبداللین شیخ‌المکملی ● نوبت‌های از زندگی علامه علی‌اکبر دهخدا / مریم میونس ● منقولاتی از چهارمقاله نظامی عروضی در متن فارسی گمنامی در احکام نجوم، نوشته تاج‌الدین اکرم / علی صفی آقانه ● نگاهی به فرهنگ‌های حلبی (بررسی ویژگی‌های زبانی) / میلاد بیگلر ● تصحیحی دیگر از نزهة العاشقین تألیف علی بن محمود بن الحاج / علی کاسلی ● صوفیان و معارضان آنان در جهان ایرانی‌وار / مه‌الدین کونان ● نقدی بر تصحیح زادالمسافر / مسعود راستی‌پور ● نگاهی به «اشعار پراکنده»ی کلیات زلالی خوانساری / برنوس میوسی ● رفع چند سوء تفاهم درباره سبغی نیشابوری و تذکر چند نکته درباره چاپ عکسی رسائل العشاق و رسائل المشتاق / مایرون نیگری ● ریشه‌شناسی چه می‌کند؟ (۱۱) / سید احمدرضا قائم‌مقامی ● گزارش از یک انتقال دانشگاهی (مرج کتاب «نهادینه‌های اساطیری در شاهنامه فردوسی» در رساله «نقد اسطوره‌های و کاربرد آن در تحلیل شاهنامه فردوسی») / مهور واحدوست ● ایران در متون و منابع عثمانی (۲۲): چلبی‌زاده عاصم افندی / نصرالله صالحی ● از لایبزیگ تا بابل: مروری بر زندگی و آثار فرانتس هاینریش وایسیاخ، پژوهشگر حوزه مطالعات میخی / سهیل دلشاد ● درباره قطعه منسوب به کافی ظفر همدانی / بهروز ایبانی ● یادداشت‌هایی درباره حرف «ض» در زبان فارسی / رضا حدیدی‌زادی



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



۹۰ - ۹۱

فصلنامه اطلاع‌رسانی در حوزه نقد و تصحیح
متون، نسخه‌شناسی و ایران‌شناسی
دوره سوم، سال پنجم، شماره یکم و دوم
بهار - تابستان ۱۳۹۹ [انتشار: بهار ۱۴۰۱]

صاحب امتیاز:

مؤسسه پژوهشی میراث مکتوب

مدیر مسئول و سردبیر: اکبر ایرانی

معاون سردبیر: مسعود راستی‌پور

مدیر داخلی: یونس تسلیمی پاک

طراح جلد: محمود خانی

چاپ دیجیتال: میراث

نشانی مجله:

تهران، خیابان انقلاب اسلامی، بین خیابان دانشگاه و
ابوریحان، ساختمان فروردین (شماره ۱۱۸۲)، طبقه دوم.

شناسه پستی: ۱۳۱۵۶۹۳۵۱۹

تلفن: ۶۶۴۹۰۶۱۲

دورنگار: ۶۶۴۰۶۲۵۸

www.mirasmaktoob.ir
gozaresh@mirasmaktoob.ir

بها: ۶۰۰،۰۰۰ ریال

روی جلد: یکی از نگاره‌های شاهنامه فرچغای
خان، به نستعلیق ممتاز محمدتکین الحسینی، مورخ
۱۰۵۸ق (انگلستان، Windsor Castle، Royal Library
(No. RCIN1005014

تصویر خط بسمله

از نسخه کتابخانه John Rylands

فهرست

سرخرن

زبان، ادبیات و خودآگاهی ملی / محمود امیدسالار ۳-۶

جستار

پژوهش درجه اصالت برخی بیت‌ها در پیرایش شاهنامه / جلال خالقی مطلق ۷-۲۹
مهرهای نسخه خطی المشیخه / عمادالدین شیخ‌الحکمایی ۳۰-۳۲
نویافته‌هایی از زندگی علامه علی‌اکبر دهخدا / مریم میرشمسی ۳۳-۵۵
منقولاتی از چهارمقاله نظامی عروضی در متن فارسی گم‌نامی در احکام نجوم، نوشته تاج‌الدین اکرم /
علی صفری آقلعه ۵۶-۶۳
نگاهی به فرهنگ‌های حلیمی (بررسی ویژگی‌های زبانی) / میلاد بیگلر ۶۴-۷۶
تصحیحی دیگر از زهرا العاشقین تألیف علی بن محمود بن الحاج / علی کاملی ۷۷-۸۷

نقد و بررسی

صوفیان و معارضان آنان در جهان ایرانی وار / مجدالدین کیوانی ۸۸-۱۰۲
نقدی بر تصحیح زاد‌المسافر / مسعود راستی‌پور ۱۰۳-۱۲۹
نگاهی به «اشعار پراکنده»ی کلیات زلالی خوانساری / مرتضی موسوی ۱۳۰-۱۳۵
رفع چند سوء تفاهم درباره سیفی نیشابوری و تذکر چند نکته درباره چاپ عکسی رسائل العشاق و
وسائل المشتاق / همایون شیکری ۱۳۶-۱۴۰

پژوهش‌های وابسته

ریشه‌شناسی چه می‌کند؟ (۱۱) / سید احمدرضا قائم‌مقامی ۱۴۱-۱۴۴
گزارشی از یک انتقال دانشگاهی (مزج کتاب «نهادینه‌های اساطیری در شاهنامه فردوسی» در رساله «نقد اسطوره‌ای و
کاربرد آن در تحلیل شاهنامه فردوسی») / مهوش واحد دوست ۱۴۵-۱۵۶

ایران در متون و منابع عثمانی (۳)

چلبی‌زاده عاصم افندی / نصرالله صالحی ۱۵۷-۱۵۹

آشنایی با نشرشاهان و متن‌شوهان (۵)

از لایبزیگ تا بابل؛ مروری بر زندگی و آثار فرانتس هاینریش وایسباخ پژوهشگر حوزه مطالعات میخی /
سهیل دلشاد ۱۶۰-۱۶۶

درباره نوشته‌های پیشین

درباره قطعه منسوب به کافی ظفر همدانی / بهروز ایمانی ۱۶۷
یادداشت‌هایی درباره حرف «ض» در زبان فارسی / رضا حیدری‌زادی ۱۶۸-۱۶۹

نگاهی به «اشعار پراکنده»ی کلیات زلالی خوانساری

مرتضی موسوی

مؤسسه پژوهشی میراث مکتوب
m.moosavi63@gmail.com

کاستی‌ها و کژی‌هایی در انتقال مطالب این تذکره به بخش یادشده برخورد، با این توضیح که کاستی‌ها مربوط به شماری از مثنوی‌ها و قصاید مشترک کلیات و خلاصه اشعار است که وارد بخش «اشعار پراکنده»ی کلیات نشده‌اند و از این رو بسیاری از ابیات منحصربه‌فرد و پاره‌ای از ضبط‌های ارجح خلاصه اشعار از دیدگان خواننده پوشیده مانده‌اند، و کژی‌ها شامل ضبط‌های نادرست، بدخوانی‌ها و عباراتی است که مصحح از عهده قرائتشان برنیامده‌است. نگارنده ضمن ارج نهادن به زحمات مصحح، گزارشی از موارد یادشده را، هرچند دیر، تقدیم می‌دارد تا اگر پسند افتاد، در چاپ‌های سپسین به کار آید.

چنان‌که می‌دانیم، خلاصه اشعار میر تقی‌الدین کاشانی مفصل‌ترین تذکره عمومی فارسی است که بخش خاتمه آن در ۱۲ اصل تنظیم شده و برخی از اصل‌ها نیز دارای لواحقند. اصل دهم این تذکره مربوط به شعرای خطه همدان است و پس از آن به ترتیب ۳ لاحقه بغداد و جربادقان و خوانسار قرار یافته‌اند، که ترجمه احوال و انتخاب سروده‌های زلالی خوانساری در ردیف یازدهم لاحقه خوانسار جای گرفته‌است. میر تقی‌الدین در معرفی زلالی، ابتدا به شخصیت و هنر او پرداخته، سپس در مقام دفاع از جایگاه ادبی وی در برابر خرده‌گیران و «ستم‌ظریفان» برآمده و به اقتضای حال، طی مطلبی مفصل، به این کسان تاخته، و آن‌گاه از اشعار وی نمونه‌هایی نقل کرده‌است (ص ۷۰۰-۷۱۷ دست‌نویست).

پس از این مقدمه و پیش از پرداختن به اشکالات یادشده، اشاره به دو نکته از نظرات مصحح در مقدمه وی بر کلیات ضروری می‌نماید: نخست آن‌که او، در ذیل بخش «نقد منابع»، متذکر شده‌است خلاصه اشعار «به لحاظ وثوق مطالب بسیار محلّ تردید است» و دوم آن‌که افزوده‌است «از عیوب دیگر مؤلف آن، فضل فروشی در مطاوی تراجم دیگران است؛ آن‌چنان‌که جز ارائه شواهد شعری، مطلب مفید و محکمی نصیب خوانندگان خود نمی‌کند. به طور مثال، هنگامی که به شایعه سرقت زلالی از اشعار قطران می‌رسد، حدود سی سطر به شکایت از

کلیات زلالی خوانساری. تصحیح و تحقیق سعید شفیعیون. تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۵.

زلالی خوانساری از سراینده‌گان به نام ربع اول سده ۱۱ است که در دو قالب قصیده و مثنوی دستی بلند دارد. قصاید او عموماً در منقبت امامان شیعه اثناعشری و مشهورترین مثنوی از مثنویات هفت‌گانه‌اش (سبعه سیاره) «محمود و ایاز» است. کلیات وی به تصحیح و تحقیق سعید شفیعیون به چاپ رسیده‌است. مصحح پس از مقدمه‌ای متمم، در کوششی کم‌مانند قصاید و ترکیبات و مثنوی‌های زلالی را با مقابله نسخه‌های پرشمار و ناهمگن فراهم آورده و سپس اشعار پراکنده شاعر را، به نقل از دست‌نویست‌های دو تذکره خلاصه اشعار و زبده الافکار^۱ (ص ۸۷۱-۸۷۸) و خرابات^۲ (ص ۸۷۸-۸۸۹)، در پایان سروده‌ها گنجانده، و در انتها تعلیقاتی ارزشمند و نمایه‌هایی کارآمد به کتاب افزوده‌است. نگارنده، به مناسبت تحقیقی، ناچار از مراجعه به این اثر و به‌ویژه بخش «اشعار پراکنده»ی آن بود، اما در سنجش این بخش با دست‌نویست مورد استفاده مصحح از خلاصه اشعار، به

۱. دست‌نویست متعلق به کتابخانه شخصی روان‌شاد عبدالعلی ادیب برومند.
۲. دست‌نویست متعلق به کتابخانه ملک، به شماره ۳۸۴۱.

که دو تغزل نخست به ترتیب برابر با سرآغاز قصاید ۳۹ و ۱۷ کلیات‌اند)، و ۴ رباعی است (قس. توضیح مصحح، یکصد و بیست و یک، پی‌نوشت ۷)؛ قصیده‌مربوطه به ستایش میر تقی‌الدین، تک‌قطعه، باقی تغزلات و پاره‌غزل‌ها و تکبیت‌ها، و رباعیات، هیچ‌یک در کلیات مصحح (منظور بخش اصلی سروده‌ها، جز بخش «اشعار پراکنده» است) به چشم نمی‌خورند.

مصحح در بخش «اشعار پراکنده»، از میان منتخبات میر تقی‌الدین، تمامی مثنوی‌ها و ۳ قصیده‌نخست (به ترتیب برابر با قصاید ۶۲، ۱۵ و ۱۸ کلیات) را، گویا با فرض تکراری بودن، حذف کرده و ۳ رباعی آخر را نیز نیاورده‌است؛ حال آن‌که، مطابق جست‌وجو و تطبیق ما، ۱۴ بیت از مجموعه هر دو مثنوی منتخب و شمار چشمگیری از ابیات قصاید برگزیده میر تقی‌الدین (دقیقاً ۴۵ بیت، که بیش‌ترشان از فخریه‌های شاعرند) در متن مصحح دیده‌نمی‌شوند و در مواضعی نیز اختلافاتی سخت فاحش، از نظر ترتیب ابیات و ضبط‌ها، میان دو متن وجود دارد، چنان‌که گاهی ضبط‌های خلاصه اشعار بر ضبط‌های متن مصحح می‌چربد و ضعف‌های آن را ترمیم می‌کند^۳ (نک. ادامه).

بنابراین بایسته بود که مصحح، با قرائت درست و دقیق مثنوی‌ها و قصاید و افزودن جملگی‌شان به بخش «اشعار پراکنده»، نه‌تنها کژی‌های نسخ مورد استفاده خود را رفع می‌کرد، بلکه امکان مقایسه حذف‌واضافه‌ها، توالی ابیات و اختلاف ضبط‌های هر دو متن را برای خواننده فراهم می‌نمود، چنان‌که این شیوه درباره تذکره هفت‌اقلیم (نک. ص یکصد و بیست، پی‌نوشت ۱) و خرابات (ص ۸۷۸-۸۸۹) صورت گرفته‌است.

حال، با توجه به توضیحات پیشین، نخست به سنجش ضبط‌های متفاوت متن مصحح کلیات زلالی و منتخبات خلاصه اشعار می‌پردازیم که از بخش «اشعار پراکنده»ی کلیات حذف شده‌اند و سپس اشکالات قرائت‌های مصحح را در بخش یادشده و امی‌رسیم:

۳. در واقع یکی از ارزش‌های کتب تذکره، و نیز جنگ‌ها و سفینه‌ها، در چنین زمینه‌هایی است. البته دور از انصاف است اگر نگوییم در جاهایی نیز ضبط‌های کلیات بر ضبط‌های خلاصه اشعار برتری دارند و می‌توان در تصحیح تحریفات و تصحیفات این تذکره از آنها سود جست.

شماتت ابنای روزگار می‌پردازد» (ص هفده).

در باب نظر نخست، باید گفت هرچند عموم تذکره‌ها مبرا از لغزش نیستند و کمابیش دچار ناتندرستی‌های گونه‌گونی، به‌ویژه در وثوق مطالب، هستند، اما از شواهد فراوان موجود در خلاصه اشعار برمی‌آید که میر تقی‌الدین، دست‌کم از شعرای هم‌روزگار خویش، آگاهی‌های موثقی در دست داشته، چنان‌که با بسیاری از آنان در کاشان دیدار کرده (نک. اصل ۱۰، لاحقۀ جربادقان، مولانا علی‌نقی کمره‌ای و جاهای دیگر)، با برخی هم‌سفر شده (مثلاً نک. اصل ۱۱، بخش استرآباد، ذیل ناطقی استرآبادی)، به‌نزد تنی چند از ایشان رفته (مثلاً نک. همان، ذیل سحابی استرآبادی)، و یا اطلاعات خود را از طریق کسان و آشنایان معتمد آنان فرا چنگ آورده‌است (نک. اصل ۱۱، بخش ری، ذیل قاضی عبدالله رازی و جاهای دیگر). در باب نظر دوم، نگارنده با سخن مصحح هم‌داستان است و نمونه‌های آن را به‌کرات در خلاصه اشعار می‌توان دید (مثلاً نک. اصل ۱۰، لاحقۀ خوانسار، ذیل خضری خوانساری، نیز اصل ۱۱، بخش ری، ذیل نامی طهرانی)، اما به نظر می‌رسد دست‌کم در این‌جا باید اندکی تفاوت قائل شد و این بت شکوی را از سنجی دیگر شمرد، زیرا افزون بر کاهش شواهد شعری، که نشانه دور شدن از فضل‌فروشی یادشده است، شاهد تحریک عاطفه یا «من» اجتماعی ادیبی هستیم که از بی‌اخلاقی‌های جامعه ادبی روزگار خویش به تنگ آمده و از سر درد، ضمن واگویی‌هایی عاطفی-هرچند با ابزار دراز نویسی-، دادشکایت داده، چنان‌که در مواضعی دیگر نیز از بی‌عدالتی‌های اجتماعی و هرج‌ومرج‌های سیاسی عصر خود به فریاد آمده‌است (مثلاً نک. اصل ۱۰، لاحقۀ بغداد، ذیل خواجه سراج‌الدین یعقوب المتخلص بآصف)؛ نمونه‌هایی از این دست در خلاصه اشعار نادر است و ناگفته پیداست که طرح چنین مطالبی در تحلیل‌های ادبی-اجتماعی شعر هر دوره بسی سودمند تواند بود.

اما آن‌چه میر تقی‌الدین از سروده‌های زلالی انتخاب کرده، دقیقاً شامل ۷۲ بیت مثنوی از منظومه «محمود و ایاز»، ۷ بیت مثنوی از منظومه «میخانه»، ۵ قصیده (به ترتیب برابر با قصاید ۶۲، ۱۵، ۱۸، قصیده‌ای در ستایش میر تقی‌الدین، و ۵۶ کلیات)، یک قطعه ۷بیتی، ۱۴ تغزل و پاره‌غزل و تکبیت (مجموعاً ۲۵ بیت،

الف. سنجش ضبط‌های دو متن

واژه «سینه» به قطع تصحیفی از «شیشه»، و حتماً ضبط کلیات درست است؛ اما بر پایه ابیات پیشین و سپسین قصیده، «نهار» (: روز، ضبط خلاصه)، و نه «بهار»، صحیح است. زلالی، در قصه‌ای ادبی و در خیال و پندار خویش، سپیده‌دمان راهی «خانهٔ خمّار» شده و با شادخواری روز را به سر برده و شب‌هنگام به ترک میخانه گفته‌است. با این سخن، «شکستن رنگ نهار» تعبیری از به پایان آمدن روز و فرارسیدن شب است و «بهار» معنای شایسته‌ای در بیت و فضای کلام ندارد.

کلیات که امشب جان نثار خویش باشد
طریق بندگی در پیش باشد
(ص ۵۸۸)

خلاصه که اینک جان نثار خویش باشد
طریق بندگی برعکس باشد
(ص ۷۰۵)

اگر «باشد» را خطای مطبعی به شمار نیاوریم، آن را باید تصحیفی از «باشد» (مثل ضبط خلاصه) بدانیم. «باشد» معنای درستی در بیت ندارد و آنچه با «نثار» سازگار می‌افتد، پاشیدن به معنی افشاندن است. همچنین، مطابق توضیحات مصحح در مقدمه، زلالی به ساختن ابیات ذوقافیتین مولع بوده‌است (نک. ص نودوپنج، نیز یکصدوسی و دو، پی‌نوشت ۱۶۱) و این بیت را نیز، با ضبط «باشد»، می‌توان در آن شمار دانست.

کلیات به پشت مار بدوزم دو چشم را چون نفس
که کی ادیم ز دوش افکند که هین! بردار؟
(ص ۳۱)

خلاصه به پشت مار بدوزم دو چشم را چون نقش
که کی ادیم ز دوش افکند که «هین بردار!»
(ص ۷۰۸)

«نفس» حامل هیچ پیامی نیست و مطابق ضبط خلاصه الاشعار، «نقش» صواب می‌نماید. شاعر سر به هامون و دشت نهاده تا به قناعت بزید و از این‌رو چشم خویش را، چونان نقش‌ونگاری که بر پشت ماران بسته شده، به دنبال آن‌ها دوخته تا پوستی را که می‌اندازند، غذای خویش کند.

کلیات به قلب شیشه و خم می‌زدیم با ساقی
به رنگ جام و سبو تا شکست رنگ بهار
چو خم تهی شد و مجلس خراب و کاسه‌نگون
برون شدم همه مستی ز خانهٔ خمّار
(ص ۳۳)

خلاصه به قلب سینه و خم می‌زدیم با ساقی
به رنگ جام و سبو تا شکست رنگ نهار
ز کوی میکده بیرون شدم قدح بر کف
چو مشعلی به رهم گل‌فشان در آن شب تار
(ص ۷۰۹)

کلیات بر آستین سخایش که کوچهٔ امل است
نمونه‌ای دو سه چین است، موج دریابار
(ص ۳۴)

خلاصه بر آستین سخایش که کوچهٔ امل است،
نمونهٔ دو سه چین است موج دریابار
(ص ۷۰۹)

«نمونه» رواست و «نمونه‌ای» زنجیرهٔ نحوی بیت را بر هم می‌زند. شاعر می‌گوید: موج دریا نمونهٔ چند چین از آستین سخای ممدوح (امام علی‌ع) است. افزودن «ای» به واژه گویا از تصرّفات مصحح است.

کلیات اگر ز شمهٔ دیوار او نقاب کشند
شود ز اشک مه و مهر، دهر، آب‌انبار
(ص ۳۵)

خلاصه اگر ز شمسۀ دیوار او نقاب کشند،
شود ز اشکِ مه و مهر دهر آب‌انبار
(ص ۷۰۹)

«شمه»، به هر معنایی (چه مقدار کم، چه بوی خوش)، ارتباطی با اجزاء کلام ندارد و تحریفی از «شمسه» (ضبط خلاصه) است. شمسه یا شمسۀ زر «دایرهٔ فلزی نقش‌دار و زراندودی [است] که بر سردر ساختمان‌ها نصب می‌کردند» (نک. فرهنگ بزرگ سخن، ذیل مدخل) و این معنا و تناسب آن با «مه و مهر» در بیت خود گویاست.

کلیات به آن سرشک که تا برکنار خون نرسد
بغلطد از جگر پاره پاره بر رخسار
(ص ۳۶)

خلاصه نطفه تیغش بُود بسته به خارا عقیق
سایه رمحش بُود خسته به گردون شهاب

(ص ۷۱۵)

بیت با «بخار» و «جسته» معنای درخوری ندارد، اما «خارا» و «خسته» مفهوم سخن را روشن می‌سازند: شمشیر ممدوح (امام باقرؑ) با شکافتن سنگ خارا جوهر خود، عقیق، را چونان نطفه‌ای در درون آن می‌نهد (حسن تعلیل) و نیزه او شهاب تیزنگ را در آسمان زخم می‌زند. در ضمن هنر بیت در موازنه، و ضبط خلاصه اشعار بازتاب‌دهنده آن است. گفتنی است این بیت نیز، همچون بیت پیشین، در بخش «اشعار پراکنده» وارد شده است.

ب. بدخوانی‌ها در بخش «اشعار پراکنده»

• ... و لهذا بحکم المامور معذور در ذیل انتخاب وی مثبت می‌شود. (کلیات، ۸۷۱/ خلاصه، ۷۱۲)

۱. «بحکم» (= به حکم) صحیح است؛ ۲. از میان «انتخاب» و «وی» واژه «قصاید» فرو افتاده است.

• آن نه خوابی ز طبخ در کیلوس (?)
که بُود دست‌پخت لئون بخار

(کلیات، ۸۷۱/ خلاصه، ۷۱۲)

مصحح در کنار واژه «کیلوس» نشان پرسش نهاده است، ظاهراً به این سبب که یا آن را تحریفی از واژه‌ای دیگر دانسته و یا به معنای آن پی نبرده است. اما «کیلوس» کاملاً صحیح است و در واقع اصطلاحی است که بیش‌تر در متون پزشکی کاربرد دارد و آن «مایعی [است] شیری‌رنگ که پس از جذب غذا در روده‌ها، در رگ‌های لنفی یافت می‌شود و حاوی ذرات چربی معلق در لنف است» (نک. فرهنگ بزرگ سخن، ذیل مدخل). حاصل بیت آن است که رؤیای شاعر از نوع خواب‌های پریشان، که حاصل پرخوری است، نیست.

• نمک حُسن چین گیسوی بخت
همچو آشفتگی طره نار

(کلیات، ۸۷۱/ خلاصه، ۷۱۲)

هویدا است که «نار» تصحیف «یار» است. نسخه «یار» دارد.

خلاصه به آن سرشک که تا برکنار خون نرسد،
نغلطد از جگر پاره‌پاره بر رخسار

(ص ۷۱۰)

قسم زلالی به اشکی است که تا خونین نشود، از جگر چاک‌چاک بر رخسار نمی‌غلطد؛ پس «نغلطد» (ضبط خلاصه) درست است.

کلیات مانند موالید که چشمش به سرآید
در دایره ثالث مسعود و مجیرم

(ص ۴۴)

خلاصه مانند موالید که ختمش به سه آمد،
در دور قمر ثالث مسعود و مجیرم

(ص ۷۱۱)

به‌واقع چه مفهومی از عبارات «چشم به سر آمدن» و «دایره ثالث» برمی‌آید؟ با این تعبیرات بیت به‌کل گنگ است. مطابق ضبط‌های خلاصه اشعار، شاعر خود را در کنار مسعود سعد سلمان و مجیرالدین بیلقانی شاعرانی شمرده که در آخرالزمان شعر به این سه ختم شده است، همچنان‌که موالید ثلاث (جماد و نبات و حیوان) سه چیزند و چهارمی ندارند.

کلیات شهرت از نظم من، کارش بالا گرفت
سوی هوا برپرد شیر به بال عقاب

(ص ۱۱۴)

خلاصه شهرت از نام من کارش بالا گرفت
سوی هوا برپرد تیر به بال عقاب

(ص ۷۱۵)

پر آشکار است که «شیر» غلط واضح و «تیر» صحیح است و مشهورترین شاهد ادبی مرتبط با آن قطعه منسوب به ناصر خسرو: «زی تیر نگه کرد و پر خویش بر او دید...». جالب آن‌که مصحح این بیت را در بخش «اشعار پراکنده» نیز آورده و آن‌جا، بر اساس خلاصه اشعار، «تیر» ضبط کرده است.

کلیات نطفه تیغش بُود، بسته بخار عقیق
سایه رمحش بُود، جسته به گردون، شهاب

(ص ۱۱۵)

- نمک نظم و نثر یربغی (?)
مظهر لطف داور دادار
(کلیات، ۸۷۲/ خلاصه، ۷۱۳)
- زلالی این قصیده را در ستایش کتاب خلاصه الاشعار و مؤلف آن، میر تقی‌الدین کاشانی، به نظم کشیده و میر تقی‌الدین در آغاز سروده بدان چنین اشاره کرده است: «این قصیده در مدح مؤلف گفته...». شاعر، چنان‌که گویا از شیوه‌های مأنوس اوست، طرح این قصیده را در قالب قصه‌ای ریخته که طی رؤیایی در باغی (منظور کتاب خلاصه الاشعار است) به تفرّج پرداخته و حال در پرسشی ادبی از سروش عالم غیب درباره صاحب باغ و پیراینده آن سؤال می‌کند؛ آن‌گاه پاسخ می‌شنود که این باغ (کتاب) شمه‌ای از قلم میر تقی‌الدین است. بنا بر این توضیح، در بیت نخست، عبارتی که مصحح در کنار آن نشان پرسش نهاده، «باغ‌پیرا کیست» است؛ در بیت دوم، «اسیر» بدخوانی «امیر» است و گویای سیادت تقی‌الدین؛ و در بیت سوم، «یربغی (?)» همانا «میر تقی» است.
- تا نهد مرغکان معنی را
از پی طعمه ذقه در منقار
(کلیات، ۸۷۳/ خلاصه، ۷۱۳)
- ضبط نسخه نیز چنین است، اما صواب «زقه» است (آب و دانه‌ای که پرند از دهان خود به دهان جوجه می‌گذارد، و به مجاز، لقمه؛ فرهنگ بزرگ سخن، ذیل مدخل).
- از صریر قلم چو اسرافیل
در جهان دو رو روییم ندار (?)
تازه تابوت و کهنه گوری چید
زنده شان کرد تا به روز شمار
(کلیات، ۸۷۳/ خلاصه، ۷۱۴)
- ۱. مثل ضبط نسخه، «اسرافیل» صحیح است؛ ۲. عبارت مشکوک همانا «دو روز و نیم مدار» است، یعنی جهانی که مدارش بر چند روزی بیش نیست؛ ۳. «چید» در نسخه بی‌نقطه است، اما باید آن را «چند» خواند. زلالی می‌گوید: میر تقی‌الدین در این جهان گذرا نقش اسرافیل را بازی کرد و با بانگ قلم خویش (مجازاً با طرحی که در خلاصه الاشعار در انداخت) نام شماری چند از شعرای کهن و هم‌روزگار
- خوابی آن نوع کش چوروز شود
در طراز فریب و بوس و کنار...
چشم اندر خیال بازی خواب
دیده گلزار فیض در گلزار
(کلیات، ۸۷۱/ خلاصه، ۷۱۲)
- نسخه «و» را میان «طراز» و «فریب» («در طراز و فریب بوس و کنار») قرار داده، و «دیده» را «دید» ضبط کرده است.
- دزد نرگس توان گرفت در او
که بُود لاله‌اش نشانی دار
(کلیات، ۸۷۲/ خلاصه، ۷۱۳)
- «نرگس» بدخوانی «هرکس» است و نسخه نیز همین را نوشته است. بیت در ستایش کتاب خلاصه الاشعار (نیز نک. ادامه) و اشاره آن به منتخب سروده‌هایی است که ذیل نام هر شاعر قرار گرفته و از این رو کسی نمی‌تواند آن‌ها را به سرقت برد و به خود نسبت دهد.
- بس که یک جاز سیر می‌ماندم
فلکم گفت خاک بی مقدار...
خاری از اوّلین درت گلم
گر بسوزی ستم بود برنار...
بانگ زد هاتفی که مستی مست
های ای خیر آدمی هشدار!
(کلیات، ۸۷۲/ خلاصه، ۷۱۳)
- ضبط نسخه «می‌ماندم»، «درخت» و «خیره» است و ظاهراً همگی اغلاط چاپی اند.
- سرو در رقص بود و گل در خواب
راه‌رو مست و راه‌زن شتار
(کلیات، ۸۷۲/ خلاصه، ۷۱۳)
- نسخه «هشیار» نوشته است که با «مست» صنعت طباق می‌سازد.
- این چه باغ است و باغ پیرا کنست (?)
سنبلش پای بند جعد نگار...
نمی‌از خامه اسیر اجل
خلف صدق احمد مختار...

به رخصت تو که خواهم غبار رحمت خویش

در این دود روز به خاک درت به سوی حضر

(کلیات، ۸۷۵/ خلاصه، ۷۱۵)

۱. «هند» و «دود» اغلاط مطبعی اند و «هنر» و «دو» صحیحند؛ ۲. آن چه هم نشین «غبار» تواند بود، «زحمت» است. البته نسخه هم نقطه را نهاده است.

• اگر از تیر دعا معرکه می آراییم

عَلَمِ آه بُود پیشرو لشکر ما

(کلیات، ۸۷۵/ خلاصه، ۷۱۵)

نسخه به جای «اگر»، «ما که» دارد.

• ز گرمی آهم، اثر می گریزد

نَفْسِ دم به دم در جگر می گریزد

(کلیات، ۸۷۶/ خلاصه، ۷۱۶)

کسره «نفس» وزن را ناهموار کرده است و باید حذف شود.

• زلالی باد و ز چشمش به جای هر مژه خاری

اگر یک ره جدا زآن گل نظر بر گلشن اندازد

(کلیات، ۸۷۶/ خلاصه، ۷۱۶)

با «وز» معنای درستی از کلام حاصل نمی شود. نسخه «در» نوشته و همین صواب است.

• وگر در سر هوای رخس جرات تاختن دارم

به زیر تیغ جلادی سر جان باختن دارم

(کلیات، ۸۷۷/ خلاصه، ۷۱۶)

آغاز سخن با «وگر» روایی ندارد. مطابق ضبط نسخه، «دگر» صحیح است.

گویا تصحیح «اشعار پراکنده»ی کلیات زلالی خوانساری، تا آن جا که به خلاصه اشعار مربوط است، ظاهراً با کمی بی حوصلگی صورت گرفته است، چنان که با وجود حجم اندک منتخبات میر تقی الدین خطاهای چشمگیری در تصحیح آن یافت می شود. این حجم اشعار، شاید در برابر حجم کلیات و سروده های درشت شاعر چندان نظرگیر و قابل توجه نباشد، اما پسندیده بود که متن همگی اشعار زلالی در خلاصه اشعار با صرف حوصله ای فراخ تر تصحیح می شد و بی کم و کاست در بخش «اشعار پراکنده»ی کلیات زلالی بازتاب می یافت.

خویش را زنده کرد و ایشان را عمری جاودان بخشید.

• قدری آب پارگین برداشت

در یکی مشک باد کرده زنهار

(کلیات، ۸۷۳/ خلاصه، ۷۱۴)

مصراع دوم ناموزون است؛ همزه «باد کرده» زاید است و نسخه «زنهار» را «زهار» نوشته است. بنابراین باید خواند: «در یکی مشک باد کرده زهار». زلالی، ضمن قصیده، تمثیل وار از حکایت مشهور «اعرابی و خلیفه» سود جسته و در این بیت به وصف آب بی مقدار و مشک ناچیزی که از اعضا و جوارح پست و پلید احشام به دست آمده، پرداخته است.

• پیش از این میخ هجو اگر بودی

چون خلالی که می خلید به کار،

این زمان گر خیار بسپوزند

کیک دانند و پشه در شلوار

هان ای خیره سر چه می بافی

چون زلالی ز اطللس اشعار؟

(کلیات، ۸۷۳/ خلاصه، ۷۱۴)

نسخه به جای «می خلید»، «خیار» و «هان»، «می خلد» (تنها با یک نقطه بر روی «ل»)، «چنار» و «های» ضبط کرده است.

• چنان ز عدلش آهن ز فعل خود خجل است

که گاه قصد به خود غوطه می خورد نشتر

(کلیات، ۸۷۴/ خلاصه، ۷۱۵)

«قصد» و «خود» (ضبط های خلاصه) تصحیف و تحریفی از «فصد» و «خون» هستند و همبستگی معنایی شان با «نشتر» آشکار است.^۴

• کرم پناها آبستن گهر نشدی

نگشتی از کف جودت محیط را شوهر

(کلیات، ۸۷۵/ خلاصه، ۷۱۵)

«از» در نسخه نیز نقطه دارد، اما به خط کاتب نیست و از تصرفات دیگری است. با توجه به نحو جمله، به قطع «ار» درست است.

• نبودی ار چو تو داماد از برای وجود

سیاه بخت بماندی همی عروس هند

۴. از اشاره دوست عزیز، مسعود راستی پور، به این نکات سپاسگزارم.

Table of Contents

Editorial

Language, Literature, and National Self-Consciousness / Mahmoud OMIDSALAR 3-6

Articles

Investigating the Authority of a Number of Couplets in the Editing of the *Shāhnāme* / Djalal KHALEGI-MOTLAGH 7-29

Seals of the *Al-mašīḫah*'s Manuscript / Emadoddin SHEYKHOLHOKAMAEI 30-32

New Findings on the Life of 'Allāmeḥ 'Ali Akbar Dehkhodā / Maryam MIRSHAMSI 33-55

Excerpts from Nizāmī-yi 'Arūzī's *Chahār Maqāleh* ("Four Treatises") in an Unknown Text on Judicial Astrology,
Written by Tāj al-dīn-i Akram / Ali SAFARI AQ-QALEH 56-63

A Look at Ḥalīmī's Dictionaries (A Study on Linguistic Features) / Milad BIGDELOU 64-76

Another Edition of *Nuzhat al-'Āsighīn* Written by 'Alī ibn-i Mahmūd ibn al-Ḥāj / Ali KAMELI 77-87

Reviews and Critiques

Sufis and Their Opponents in the Persianate World / Majdoddin KEYVANI 88-102

A Review of the Edition of *Zād al-Musāfir* / Masoud RASTIPOUR 103-129

A Look at the "Fragmented Poems" in *Zulālī-yi Xānsārī's Collection of Poems* / Mortaza MOUSAVI 130-135

Clearing up Some Misunderstandings about Seyfī-yi Niyšābūrī and Making a Few Comments on the Facsimile
Edition of *Rasā'il al-'Uššāq wa Wasā'il al-Muštāq* / Homayoun SHEKARI 136-140

Essays on Research

What Does an Etymologist Do? (11) / Seyyed AhmadReza QAEMMAQAMI 141-144

A Report on an Academic Plagiarism (Incorporation of the *Mythological Infrastructures in Shāhnāme* of Ferdowsi into *Mythological Criticism, and Its Application in the Analysis of Ferdowsi's Shāhnāme* [Doctoral Dissertation, Ferdowsi University of Mashhad]) /
Mahvash VAHEDDOUST 145-156

Iran in Ottoman Texts and Sources (22)

Çalabizādah 'Āšem Efendī / Nasrollah SALEHI 157-159

Introducing Codicologists and Textual Scholars (5)

From Leipzig to Babylon; A Review of the Life and Works of Franz Heinrich Weissbach, a Scholar in Cuneiform
Studies / Soheil DELSHAD 160-166

On the Previous Articles

On a Piece of a Poem Ascribed to Kāfī-i Zafar-i Hamadānī / Behrouz IMANI 167

Notes on the Letter [Ž] in the Persian Language / Reza HEYRARIZADI 168-169